



عرفان

کلیدواژه: عرفان، **شناخت نفس**، عرفان نظری، عرفان عملی.

بررسی: رابطه‌ی عرفان و شناخت نفس چیست؟

پاسخ: عرفان به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌شود. مباحث هر دو شاخه با شناخت نفس ارتباط تنگاتنگ دارند. چون از یک سو در عرفان نظری بحث از شهود **حَق** است و از سوی دیگر، نفس کامل‌ترین مظهر حق است و شهود حق تنها با شناخت نفس و پاک‌سازی آن از عیوب و نزدیکی آن به حضرت حق حاصل می‌شود. رسول گرامی **اسلام** فرمود: هر کس خود را شناخت، پروردگارش را می‌شناسد. اما ارتباط شناخت نفس با عرفان عملی که معرفت طریق سلوک و مجاهده برای رها ساختن نفس از تنگناهاست، واضح و روشن است؛ پس می‌توان گفت شناخت نفس و خودشناسی، یکی از مهم‌ترین مسائل و موضوعات **عرفان اسلامی** را شکل می‌دهد.

فهرست مندرجات

- ۱ - شاخه‌های عرفان
- ۲ - تعریف عرفان نظری
- ۳ - ارتباط عرفان نظری با نفس
 - ۳.۱ - سخنی از پیامبر اکرم
- ۴ - تعریف عرفان عملی
 - ۴.۱ - دیدگاه عارفان
- ۵ - معنای عارف
- ۶ - رابطه عرفان عملی و معرفت نفس
 - ۶.۱ - سخنی از امام علی
- ۷ - بیان یک نکته
- ۸ - حضوری بودن علم به نفس
- ۹ - منابعی برای مطالعه بیشتر
- ۱۰ - پانویس
- ۱۱ - منبع

شاخه‌های عرفان

عرفان به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌شود. مباحث هر دو شاخه با شناخت نفس ارتباط تنگاتنگ دارند.

تعریف عرفان نظری

در عرفان نظری عارف به **تفسیر** هستی می‌پردازد؛ درباره خدا و **جهان** و **انسان** بحث و تصور خود را از هریک از آنها ارائه می‌دهد. در واقع عرفان نظری پایه‌های علمی و نظری عرفان عملی را مورد بحث و بررسی خود قرار می‌دهد.
^[۱] **مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (کلام عرفان حکمت عملی)**، ج ۲، ص ۸۹.

به عبارتی وقتی عرفان نظری ابعاد وجود انسان و جهان را تحلیل کرد و به یقین، حقیقت **رستگاری** انسان را درک کرد، عرفان عملی می‌گوید باید بر طبق چنین چیزی عمل کرد؛ اگر واقع آن‌گونه است، باید به همان نحو که عرفان نظری آدرس داده است حرکت کرد و پیش رفت و **عمل** خود را سامان داد.

ارتباط عرفان نظری با نفس

در هر صورت از یک سو در تعریف عرفان نظری گفته‌اند: «عرفان، عبارت است از علم به حضرت **حَق**، سیحان از حیث **اسما** و صفات و مظاهرش و علم به احوال **معاد** و به حقایق **عالم** و چگونگی بازگشت آن حقایق به حقیقت واحدی که همان ذات احدی حق تعالی است.

^[۱] داود قیصری، رساله توحید و نبوت و ولایت، فصل اول.

^[۲] شهاب‌الدین سهروردی، عوارف المعارف، ترجمه عبدالمؤمن اصفهانی، باب پنجم.

^[۳] سیدیحیی یثربی، عرفان نظری بخش دوم، فصل اول.

[۵] یحیی یثربی، عرفان عملی در اسلام، ص ۱۹ و ۲۰.

و از سوی دیگر در تعریف نفس گفته‌اند: «نفس، جوهری است بسیط و روحانی و زنده به **ذات** و داناست به قوت و فاعل به طبع و او صورتی است از صورت‌های **عقل** فعال.»

[۶] ناصر خسرو، جامع الحکمتین، ص ۸۹، به نقل از دکتر سیدجعفر سجادی، فرهنگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۶۹ و ۴۷۰.

حقیقت انسان (نفس) لطیفه ربانی است که جنبه جسمانی و روحانی وی نیز همگی از مظاهر و جلوه‌های آن حقیقت‌اند.

[۷] دکتر سیدیحیی یثربی، عرفان عملی در اسلام، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

[۸] دکتر سیدیحیی یثربی، عرفان نظری، ص ۲۶۹.

[۹] ناصر خسرو، جامع الحکمتین، ص ۸۹، به نقل از دکتر سیدجعفر سجادی، فرهنگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۶۹ و ۴۷۰.

← سخنی از پیامبر اکرم

نفس کامل‌ترین مظهر حق است و **پیامبر** اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: « من عرف نفسه فقد عرف ربه؛ هر که خود را شناخت، خدای خود را شناخت.»

[۱۰] شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ماده نفس.

در این **حدیث** عرفان زاینده شناخت نفس دانسته شده است. پس با این بیان ارتباط شناخت نفس با عرفان نظری روشن شده است.

تعریف عرفان عملی

اما عرفان عملی، عبارت از آن قسمت از عرفان است که به توضیح روابط و وظایف **انسان** با خود او و با جهان و با خدا می‌پردازد. عرفان عملی بیان می‌دارد که **سایک** برای اینکه عملاً و حقیقتاً به قلّه منبع انسانیت یعنی توحید برسد، باید حرکت را از کجا آغاز کند و چه منازلی و مراحل را به ترتیب طی کند و در منازل بین راه چه احوالی برای **روح** و نفس او رخ می‌دهد، در عرفان عملی سخن از آغاز، منازل، مراحل و مقصدی است که به ترتیب سالک باید طی کند تا به سر منزل نهایی برسد، عرفا بر این اعتقادند که رسیدن به منزلی بدون گذر از منزل و مرحله قبل امکان‌پذیر نیست؛ یعنی بین مقامات و منازل عرفانی رابطه علی و معلولی برقرار است که رسیدن به هرکدام بدون طی منزل قبلی محال است.

[۱۱] مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، (کلام عرفان حکمت عملی)، ج ۲، ص ۸۵.

[۱۲] مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، (کلام عرفان حکمت عملی)، ج ۲، ص ۸۷.

بدیهی است که آگاهی از این شرایط و ترتب ظریف و دقیق، منوط به شناخت دقیق از نفس است؛ ازاین‌رو بحث «علم النفس» که در کتاب‌های فلسفی و عرفانی به آن پرداخته شده است، قسمت وسیعی از **فلسفه** و **عرفان اسلامی** را به خود اختصاص داده است.

[۱۳] مرتضی مطهری، عرفان حافظ، ص ۱۲ و ۱۳.

← دیدگاه عارفان

عرفا در این خصوص می‌گویند: روح و نفس آدمی مانند یک گیاهی است که رشد و نمو آن دارای برنامه خاصی است که باید مرحله به مرحله آن را به پیش برد تا به **کمال** مطلوب خود برسد و همین مطلب که در عرفان عملی عملاً نفس را رشد می‌دهند، در عرفان نظری درست این حالت نفس را تحلیل می‌کنند که نفس آدمی مانند هر موجودی دیگر از **نظم** و **قانون** خاصی تبعیت می‌کند؛ گاه راغب می‌شود، گاه ملول و سرخورده و گاه طاغی و عاصی. باید آن را خوب شناخت و درست با آن برخورد نمود، درست مانند اسب چموشی که باید آن را رام و اهلی کرد.

معنای عارف

به همین جهت در بعضی از تعاریف عارف آمده است: « صوفی (عارف) آن باشد که دائم سعی کند در **ترکیه نفس** و تصفیه دل و تجلیه‌ی روح».

[۱۴] شهاب‌الدین سهروردی، عوارف المعارف، ترجمه عبدالمؤمن اصفهانی، باب پنجم.

رابطه عرفان عملی و معرفت نفس

پس از تعریف عرفان عملی به: **معرفت** طریق سلوک و مجاهده برای رها ساختن نفس از تنگناها و قید و بند جزئیت و پیوستن به مبدأ خویش و انصاف به نعت اطلاق و کلیت»

[۱۵] داود قیصری، رساله توحید و نبوت و ولایت، فصل اول.

[۱۶] شهاب‌الدین سهروردی، عوارف المعارف، ترجمه عبدالمؤمن اصفهانی، باب پنجم.

[۱۷] سیدیحیی یثربی، عرفان نظری بخش دوم، فصل اول.

[۱۸] یحیی یثربی، عرفان عملی در اسلام، ص ۱۹ و ۲۰.

نیک هویدا است که رها ساختن نفس از قید و بند جزئیت و پیوند انسان به مبدأ اعلاء فقط با معرفت نفس ممکن‌پذیر است.

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید: «العارف من عرف نفسه فاعتقها و نزهها عن كل ما يبعدها؛ عارف کسی است که نفس خود را شناخته و از هرچه که آن را (از خدا) دور می‌کند، آزاد و پاکش گردانیده».

[۱۹۱] آمدی، غررالحکم و دررالکلم، به نقل از حسن‌زاده آملی، مجموعه مقالات، ص ۱۵۴.

پس نفس یکی از مسائل مهم عرفان است و همان‌گونه که بین یک **علم** و مسائلش رابطه وجود دارد، بین نفس و عرفان رابطه است.

بیان یک نکته

لازم به تذکر است که در عرفان از راه **شهود** که راه **دل** است، بهره برده می‌شود و این در حالی است که گفته شده است در اثبات و علم به نفس هم تنها می‌توان از این روش سود جست.

حضور ی بودن علم به نفس

عرفا و حکمای اسلامی بر این باورند که علم به نفس حضوری بوده و اگر انسان نفس خود را، به علم حضوری شهود ننماید، هیچ طریق دیگری توان اثبات و **شناخت** آن را ندارد.

[۲۰۱] جوادی آملی، شناخت‌شناسی در قرآن، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

شیخ شهاب‌الدین سهروردی در کتاب **حکمت الاشراف**، دو برهان بر حضوری بودن معرفت نفس و استحاله شناخت آن از طریق دانش‌های حصولی اقامه کرده

[۲۱۱] جوادی آملی، شناخت‌شناسی در قرآن، ص ۳۱۰.

که نتیجه آن دو **برهان** این است که آدمی نفس خود را نه تنها از طریق افعال و آثار آن، بلکه از طریق هیچ مفهومی از مفاهیم ذهنی دیگر نمی‌تواند شناسایی کند؛ بلکه هستی هر فرد و شئون مربوط به آن حقیقتی است که تنها با شهود عرفانی قابل شناسایی است.

[۲۲۱] جوادی آملی، شناخت‌شناسی در قرآن، ص ۳۱۲.

چه اینکه آثار خارجی نفس و رفتار آدمی که روان‌شناسی امروز بر آن تکیه دارد، فقط برخی از آثار و کنش‌های روح و نفس در مقابل افعال و آثار خارجی شناخته می‌شود؛ اما ماهیت و **حقیقت روح** و نفس فقط با کشف عرفانی قابل شناسایی است.

[۲۳۱] دکتر مجد شرفاوی، فراسوی روان‌شناسی اسلامی یا اخلاق و بهداشت روانی در اسلام، ترجمه دکتر سیدمجدباقر حجتی، ص ۵۱.

به همین خاطر برخی از روان‌شناسان معاصر بر این باورند که روان‌شناسی معاصر در واقع علم «رفتارشناسی» است و به شناخت **روح** و روان کاری ندارد.

[۲۴۱] دکتر سیروس عظیمی، روان‌شناسی عمومی، ص ۱.

[۲۵۱] دکتر مجدعثمان نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، ص ۲۳ و ۲۴.

منابعی برای مطالعه بیشتر

نک: دروس معرفت نفس، آیت الله حسن‌زاده آملی، ص ۵۲۹ - ۵۳۱ و ۶۰۳.

پانویس

۱. [↑](#) **مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (کلام عرفان حکمت عملی)**، ج ۲، ص ۸۹.
۲. [↑](#) داود قیصری، رساله توحید و نبوت و ولایت، فصل اول.
۳. [↑](#) شهاب‌الدین سهروردی، عوارف المعارف، ترجمه عبدالمؤمن اصفهانی، باب پنجم.
۴. [↑](#) سیدیحیی یثربی، عرفان نظری بخش دوم، فصل اول.
۵. [↑](#) یحیی یثربی، عرفان عملی در اسلام، ص ۱۹ و ۲۰.
۶. [↑](#) ناصر خسرو، جامع الحکمتین، ص ۸۹، به نقل از دکتر سیدجعفر سجادی، فرهنگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۶۹ و ۴۷۰.
۷. [↑](#) دکتر سیدیحیی یثربی، عرفان عملی در اسلام، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.
۸. [↑](#) دکتر سیدیحیی یثربی، عرفان نظری، ص ۲۶۹.
۹. [↑](#) ناصر خسرو، جامع الحکمتین، ص ۸۹، به نقل از دکتر سیدجعفر سجادی، فرهنگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۶۹ و ۴۷۰.
۱۰. [↑](#) شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ماده نفس.
۱۱. [↑](#) **مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (کلام عرفان حکمت عملی)**، ج ۲، ص ۸۵.
۱۲. [↑](#) **مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (کلام عرفان حکمت عملی)**، ج ۲، ص ۸۷.
۱۳. [↑](#) مرتضی مطهری، عرفان حافظ، ص ۱۲ و ۱۳.
۱۴. [↑](#) شهاب‌الدین سهروردی، عوارف المعارف، ترجمه عبدالمؤمن اصفهانی، باب پنجم.
۱۵. [↑](#) داود قیصری، رساله توحید و نبوت و ولایت، فصل اول.
۱۶. [↑](#) شهاب‌الدین سهروردی، عوارف المعارف، ترجمه عبدالمؤمن اصفهانی، باب پنجم.
۱۷. [↑](#) سیدیحیی یثربی، عرفان نظری بخش دوم، فصل اول.
۱۸. [↑](#) یحیی یثربی، عرفان عملی در اسلام، ص ۱۹ و ۲۰.
۱۹. [↑](#) آمدی، غررالحکم و دررالکلم، به نقل از حسن‌زاده آملی، مجموعه مقالات، ص ۱۵۴.

۲۰. [↑](#) جوادی آملی، شناخت‌شناسی در قرآن، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.
۲۱. [↑](#) جوادی آملی، شناخت‌شناسی در قرآن، ص ۳۱۰.
۲۲. [↑](#) جوادی آملی، شناخت‌شناسی در قرآن، ص ۳۱۲.
۲۳. [↑](#) دکتر مجد شرفاوی، فراسوی روان‌شناسی اسلامی یا اخلاق و بهداشت روانی در اسلام، ترجمه دکتر سیدمجدباقر حجتی، ص ۵۱.
۲۴. [↑](#) دکتر سیروس عظیمی، روان‌شناسی عمومی، ص ۱.
۲۵. [↑](#) دکتر مجدعثمان نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، ص ۲۳ و ۲۴.

منبع

[پایگاه اسلام کوئست](#).

رده‌های این صفحه : [عرفان اسلامی](#) | [نفس و مسائل مربوطه](#)